



چگونه با جنگ تجاری ترامپ مقابله کنیم؟ - اندیشه مائوتسه تونگ (بخش دوم)



وانگ لی هوا
استاد ارشد ارتش آزادیبخش خلق چین
گائو ژی کای
استاد مدعو دانشگاه سوژو، معاون اندیشکده جهانی سازی (CCG)
لی بو
پژوهشگر ارشد موسسه راهبردی توسعه بهار و پاییز شانگهای

ترجمه مجله جنوب جهانی

چگونه با جنگ تجاری ترامپ مقابله کنیم؟ - اندیشه مائوتسه تونگ (بخش دوم)

نشست زنده تالار دیدگاه، قسمت ششم (بخش دوم) | چگونه با جنگ تجاری ترامپ مقابله کنیم؟
- اندیشه مائوتسه تونگ

وانگ لی هوا

استاد ارشد ارتش آزادیبخش خلق چین

گائو ژی کای

استاد مدعو دانشگاه سوژو، معاون اندیشکده جهانی سازی (CCG)

لی بو

پژوهشگر ارشد موسسه راهبردی توسعه بهار و پاییز شانگهای

چین به عنوان شریک تجاری اصلی بیش از 150 کشور در جهان، به یکی از معدود کشورهایی تبدیل شده است که مستقیماً با اجبار اقتصادی ایالات متحده روبرو شده و قاطعانه به زورگویی تعرفه‌ای جهانی آمریکا پاسخ می‌دهد. چین از این جسارت برخوردار است، از یک سو به دلیل قدرت ملی ما و از سوی دیگر، ناشی از خرد سیاسی فوق‌العاده‌ای است که نیاکان ما برای ما به جا گذاشته‌اند. در قسمت ششم نشست زنده تالار دیدگاه شبکه خبری "چاینا اوبزرور"، ما از کارشناسان برجسته، استاد ارشد ارتش آزادیبخش خلق چین، آقای وانگ لی هوا، معاون اندیشکده جهانی سازی (CCG)، آقای گائو ژی کای، و پژوهشگر ارشد موسسه راهبردی توسعه بهار و پاییز شانگهای، آقای لی بو، دعوت کرده‌ایم تا تفسیری روشن‌گرانه ارائه دهند. امروز، ما چگونه می‌توانیم از اندیشه‌های مائوتسه تونگ حکمت بیاموزیم و در این جنگ تجاری پیروز شویم!

این متن، بخش دوم رونوشت گفت‌وگو است. برای مطالعه بخش اول، [لطفاً اینجا کلیک کنید](#).

جنگ تجاری با ایالات متحده یک جنگ طولانی مدت است

لی بو: صدر مائو زمانی گفت: "این جنگ چقدر طول می کشد، فکر می کنم نباید ما تصمیم بگیریم. در گذشته ترومن تصمیم می گرفت، بعد از او آیزنهاور، یا هر رئیس جمهور آینده آمریکا، آن ها تصمیم می گیرند. هر چقدر بخواهند بجنگند، می جنگند، تا زمانی که ما کاملاً پیروز شویم." استاد گائو، به نظر شما در شرایط فعلی، چگونه می توانیم به اصل "تو بزنی، من هم می زنم" عمل کنیم؟ در حال حاضر ممکن است این فقط اولین دور اقدامات متقابل باشد، به نظر شما در ادامه چه اقداماتی از سوی آن ها صورت خواهد گرفت؟ و چگونه باید با آن ها مقابله کنیم؟

گائو ژی کای: ژستی که آمریکا در حال حاضر به خود گرفته این است که: آمریکا پر از برگ برنده است، در حالی که چین هیچ برگی ندارد، بنابراین چین باید التماس کند و تلفن را بردارد و شرایط آمریکا را بپذیرد.

اما واقعیت چیست؟ به نظر من نکته ای وجود دارد که باید بر آن تاکید شود - چین اکنون اهمیتی نمی دهد که بازار آمریکا را که 14 درصد از صادرات ما را تشکیل می دهد از دست بدهد، بلکه ما می خواهیم به تمام بشریت بگوییم که اقدامات بی پروا و مغایر با اصول تجارت آزاد آمریکا، در نهایت منجر به انزوای خود آمریکا از چین خواهد شد.

به عبارت دیگر، ما باید آمادگی های لازم را داشته باشیم که تجارت چین و آمریکا ممکن است به صفر برسد، یعنی چین به آمریکا صادرات نکند و آمریکا نیز به چین صادرات نداشته باشد. تنها زمانی که ما تفکر مبتنی بر بدترین سناریو را داشته باشیم و بدترین وضعیت چیست، می توانیم بر این اساس برنامه ریزی بهتری انجام دهیم.

خب، اگر روابط تجاری و اقتصادی چین و آمریکا به شدت آسیب ببیند، چگونه باید برنامه ریزی کنیم؟ اولاً، جهان فقط شامل آمریکا نمی شود، بلکه کشورهای بسیار دیگری نیز وجود دارند. ثانیاً، تقاضای داخلی ما می تواند به طور مداوم افزایش یابد و دولت نیز ابزارهای زیادی در اختیار دارد. البته، این امر مستلزم تلاش مشترک کل جامعه و دولت است.

علاوه بر این، چین باید پرچم تجارت آزاد را در بازارهای بین المللی برافراشته و با اروپا و کشورهای جنوب جهانی همکاری گسترده ای داشته باشد. آمریکا اخیراً بارها گفته است که آمریکای لاتین

حیات خلوت آمریکا است و چین حق ورود به آن را ندارد. من می‌خواهم تاکید کنم که آمریکای لاتین امروز حیات خلوت هیچ کشوری نیست و چین هر زمان که بخواهد می‌تواند به آنجا برود و هیچ کشوری نمی‌تواند مانع همکاری‌های دوجانبه و سودمند چین با آمریکای لاتین شود.

بنابراین در این جهان، چین نه تنها بزرگترین عامل ثبات است، بلکه ما می‌توانیم در مسائل مهم و اصولی انتخاب‌های درستی انجام دهیم. نه تنها به آمریکایی‌ها نشان می‌دهیم که انتخاب‌های ما درست است، بلکه به تمام جهان نیز نشان می‌دهیم که انتخاب‌های چین درست است.

البته، ممکن است برخی بپرسند: "آیا ادامه این وضعیت، کشورهای دیگر را مجبور به طرفداری از چین یا آمریکا نمی‌کند؟" در واقع، برای بسیاری از کشورها، انتخاب واقعی طرفداری از چین یا آمریکا نیست، بلکه انتخاب واقعی این است که ببینند چین و آمریکا، کدام یک کار درست را انجام می‌دهند؟ کدام یک اشتباه می‌کنند؟

آمریکا هر روز اسلحه را روی شقیقه شما می‌گذارد، و بعد شما آمریکا را انتخاب می‌کنید، این آشکارا انتخاب اشتباهی است؛ چین هرگز اسلحه را روی شقیقه شما نمی‌گذارد، بلکه از منافع متقابل و تجارت آزاد و عادلانه صحبت می‌کند، و بعد شما چین را انتخاب نمی‌کنید، پس شما یک "احمق" هستید.

بنابراین، من معتقدم که اکنون تمام بشریت به یک نقطه عطف حیاتی رسیده است که باید در آن حق و باطل را مشخص کند، و این برای 50 یا حتی 100 سال آینده بسیار مهم خواهد بود. پس از فروکش کردن این جنگ تعرفه‌ای، وضعیت جهانی قطعاً دستخوش تغییرات اساسی خواهد شد، و ما باید آماده باشیم و قاطعانه از تجارت آزاد و عادلانه دفاع کنیم، تا چین بتواند در موضعی شکست‌ناپذیر قرار گیرد.

لی بو: متشکرم استاد گائو، شما قبلاً به بدترین سناریو بین چین و آمریکا، یعنی صفر شدن تجارت، اشاره کردید. می‌خواهم از استاد وانگ بپرسم، به نظر شما در جنگ تجاری، چگونه باید یک جنگ طولانی‌مدت را به خوبی مدیریت کنیم؟ از تجربه صدر مائو، چه حکمتی را باید بیاموزیم تا استراتژی‌های ضدحمله خود را تدوین کنیم؟

وانگ لی هوا: در حال حاضر، بحث در مورد جنگ طولانی‌مدت بسیار ضروری است، زیرا جهان در حال تحولی بزرگ و بی‌سابقه در صد سال گذشته قرار دارد، و این تحول به یکباره رخ نخواهد داد.

جنگ تجاری بین چین و آمریکا نیز با یک نبرد به پایان نخواهد رسید و مشکل حل نخواهد شد. این اصطکاک و مبارزه، به قول صدر مائو، "آشوب، شکست، دوباره آشوب، دوباره شکست، تا نابودی" خواهد بود.

برای ما، چین باید ثبات خود را حفظ کند و باید به گشایش خود به روی جهان ادامه دهد و قاطعانه از اصول تجارت آزاد، عادلانه و سود متقابل دفاع کند. من معتقدم که حقیقت و عدالت در دستان ماست و همچنین معتقدم که مزیت جهان و زمان با ماست.

من تحقیقی در مورد رشد تولید برق در ایالات متحده انجام داده‌ام که تقریباً می‌توان آن را به سه مرحله تقسیم کرد: از اوایل قرن گذشته تا دهه‌های 1970 و 1980، سرعت رشد تولید برق در آمریکا به طور کلی نسبتاً بالا بود؛ از اواسط دهه 1970 تا اوایل قرن حاضر، سرعت رشد تولید برق در آمریکا کاهش یافت؛ و سپس تا به امروز، سرعت رشد تولید برق در آمریکا یک پله دیگر پایین آمده و حتی برای چند سال متوالی رشد منفی داشته است. باید بدانید که در طول 100 سال گذشته، سال‌هایی که تولید برق در آمریکا رشد منفی داشته، مربوط به دوره رکود بزرگ در دهه 1930 بوده است، اما اکنون در 20 سال اول قرن جدید، آمریکا 7-8 سال رشد منفی داشته است. این نشان می‌دهد که روابط تولید و روبنای سیاسی آمریکا به طور جدی مانع توسعه نیروهای مولد در آمریکا شده است. در چنین شرایطی، آمریکا یا باید خود را اصلاح کند یا بحران را به خارج منتقل کند. اکنون "صد روز اصلاحات" ماسک نیز اساساً به پایان رسیده است، که نشان می‌دهد آمریکا به سختی می‌تواند از درون خود را ترمیم کند. و اکنون آمریکا می‌خواهد با چین و کل جهان مقابله کند، اما قدرت کافی برای این کار را ندارد، بنابراین شکست آن اجتناب‌ناپذیر است. ما از جنگ طولانی‌مدت نمی‌ترسیم، زیرا زمان با ماست.

در مورد مسئله رشد منفی تولید برق در آمریکا، برخی از محققان نیز تحقیقاتی انجام داده‌اند. زیرا این بیست سال دوره اصلی صنعتی‌زدایی در آمریکا بوده است، و پس از صنعتی‌زدایی، مصرف برق در آمریکا به شدت کاهش خواهد یافت.

استاد گائو قبلاً جمله جالبی گفتند، مبنی بر اینکه ارزش طلایی دلار در حال کاهش است، یا می‌توان گفت که حباب تولید ناخالص داخلی آمریکا به طور مداوم در حال افزایش است. در حال حاضر، در مصرف مردم آمریکا، 70 درصد مربوط به بخش خدمات و تنها 30 درصد مربوط به کالاهای ملموس است. و در بخش خدمات، بسیاری از آن‌ها به اصطلاح خدمات پزشکی و خدمات حقوقی هستند که هزینه بسیار بالایی دارند. بنابراین آمریکایی‌ها فکر می‌کنند که باید تولید را به آمریکا بازگردانند.

اما گزارش‌هایی نیز نشان می‌دهد که پنتاگون در حال حاضر شرکت DJI را تحریم کرده است، اما آمریکا بدون DJI نمی‌تواند پهپادهای خود را به درستی بسازد. یکی از مقامات وزارت دفاع آمریکا در سخنرانی خود در خارج از کشور گفت که باید محصولات چینی را تحریم کرد، اما دستگاه ضبط صدایی که در آن زمان استفاده می‌کرد، ساخت چین بود. بنابراین آن‌ها بسیار نگران هستند و امیدوارند با روشی بتوانند از وابستگی به زنجیره تامین چین رهایی یابند، و به همین دلیل است که با تمام قوا با ما می‌جنگند.

"دوستان را زیاد و دشمنان را کم کنید"

لی بو: در بخش بعدی، می‌خواهیم در مورد این مبارزه بحث کنیم که چین چگونه می‌تواند به "یاری شدن از سوی بسیاری" دست یابد؟ صدر مائو به ما آموخت: "تمام نیروهایی را که می‌توان متحد کرد، متحد کنید، و دوستان را زیاد و دشمنان را کم کنید." در چنین تحولاتی، چگونه می‌توانیم از حکمت مبارزاتی جبهه متحد صدر مائو استفاده کنیم؟ نظر هر دو استاد چیست؟

گائو ژی کای: آمریکا با به راه انداختن این جنگ تعرفه‌ای، امیدوار است چین و سایر کشورها را از هم جدا کند و کشورهای دیگر را به اربابه جنگی خود ببندد تا با چین مقابله کنند، بنابراین ما باید محکم بایستیم و با آمریکا مبارزه کنیم.

علاوه بر این، من معتقدم که چین باید دست دوستی به سوی کشورهای دیگر دراز کند. هر کشور و هر منطقه متفاوت است، و چگونگی توسعه روابط بیشتر با کشورهای مختلف و مناطق مختلف، اولویت اصلی مرحله بعدی ماست. به عنوان مثال، چین و اتحادیه اروپا در حال حاضر در حال از سرگیری تماس‌ها و افزایش اعتماد متقابل هستند، و به نظر من تسریع مذاکرات منطقه آزاد تجاری چین و اروپا، همه روی میز قرار دارد.

هوش مصنوعی که چین اکنون در جهان ترویج می‌کند، هوش مصنوعی باز واقعی است که کاملاً با هوش مصنوعی باز ادعایی آمریکا متفاوت است. بنابراین، ما باید از این فرصت استفاده کنیم و هوش مصنوعی باز خود را به جهان ترویج دهیم تا واقعاً به توانمندسازی ما تبدیل شود و در عین حال به همه کشورها، چه بزرگ و چه کوچک، امکان مشارکت در این انقلاب هوش مصنوعی را بدهد.

بنابراین، چین در عرصه بین‌المللی جایگاه محکمی دارد. ثانیاً، مزیت چین در این است که ما به همه کشورهای جهان طعم شیرین همکاری با چین را چشانده‌ایم. در نهایت، چین صرف نظر از اینکه در آینده چگونه توسعه یابد، همیشه یک کشور در حال توسعه خواهد بود، و این جمله برای کشورهای جنوب جهانی یک "تضمین خاطر" است. بنابراین از این منظر، ما باید به این فکر کنیم که چگونه روابط خود را با کشورهای جنوب جهانی در زمینه‌های مختلف از جمله تجارت اقتصادی، تبادلات فرهنگی، و هماهنگی سیاسی بهبود بخشیم.

چشمان تمام مردم جهان بیناست. اقدامات آمریکا قلدری است و این رفتار اشتباه فقط منجر به انزوای آمریکا خواهد شد. در مقابل، چین با صداقت رفتار می‌کند و همکاری برد-برد با کشورهای مختلف را ترویج می‌دهد. من معتقدم که پس از پایان این جنگ تجاری جهانی، تأثیر زیادی بر توزیع کلی آرایش دیپلماتیک چین خواهد داشت. اکنون جنگ تجاری به شدیدترین "جنگ" در جهان امروز تبدیل شده است. اگر نتوانیم ثبات خود را حفظ کنیم، نتوانیم جایگاه خود را محکم کنیم و نتوانیم نقشه‌های مختلف آمریکا را شکست دهیم، شکست بسیار سختی خواهیم خورد.

بنابراین، در این جنگ تجاری، چین فقط می‌تواند پیروز شود و نباید شکست بخورد. ما باید تمام مردم کشور را بسیج کنیم تا با یک قلب از حزب کمونیست پیروی کنند. ما چینی‌ها پنج هزار سال را پشت سر گذاشته‌ایم و آماده‌ایم پنج هزار سال دیگر را نیز سپری کنیم و آمریکا هیچ ارتباطی با آن ندارد - من معتقدم که این اطمینان بسیار مهم است. در عین حال، در تاکتیک، ما باید به هر اقدام آمریکا اهمیت زیادی بدهیم و سپس تمام نیروهایی را که می‌توان در جهان متحد کرد، برای این نبرد دفاع از تجارت آزاد متحد کنیم.

لی بو: در مورد "زیاد کردن دوستان"، نظر استاد وانگ چیست؟

وانگ لی هوا: آنچه قبلاً در مورد رابطه بین کاهش تولید برق آمریکا و صنعتی‌زدایی آمریکا گفته شد، بسیار منطقی است. افول مدرن آمریکا و به اصطلاح صنعتی‌زدایی آن ارتباط تنگاتنگی دارد. بنابراین، یکی از شاخص‌های مهم شعار ترامپ "بازگرداندن عظمت به آمریکا" این است که آیا صنعتی‌سازی می‌تواند به آمریکا بازگردد یا خیر. اکنون آمریکا با چین جنگ تعرفه‌ای به راه انداخته است و یکی از اهداف اصلی آن بازگرداندن تولید صنعتی به چین است.

اخيراً دیدم که آقای کائو دوانگ در مورد ساخت کارخانه در آمریکا صحبت می‌کرد و اینکه می‌خواهد تمام صنایع را به آمریکا منتقل کند، اما نتیجه چندان مطلوب نبود. او احساسات خود را بیان کرد: "صنعتی‌زدایی آمریکا در 50 سال گذشته منجر به این شده است که نسل‌های فعلی آمریکا اساساً فرهنگ صنعتی ندارند و تعداد افراد متخصص در صنعت نیز بسیار کم است، بنابراین بازگشت صنعتی‌سازی به آمریکا دشوار است."

از شروع دوران مدرن، چین به دلیل عقب ماندگی صنعتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. ما بیش از 100 سال تلاش کردیم تا به دنبال صنعتی‌سازی و مدرن‌سازی باشیم و تازه به سطح امروز رسیده‌ایم. ما نمی‌خواهیم آمریکا خیلی ضعیف شود و امیدواریم مردم آمریکا زندگی خوبی داشته باشند، اما آمریکا نباید چنین روش خودخواهانه و زیان‌آوری را در پیش بگیرد. آمریکا اکنون نه تنها با چین، بلکه با کل جهان می‌جنگد و این زمینه و مبنای محکمی برای ایجاد یک جبهه متحد ضد هژمونی در سراسر جهان برای ما فراهم می‌کند.

در دوران یانان، صدر مائو سخنانی برای فارغ التحصیلان داشت: "در آن زمان، جیانگ زیا از کوه‌های کونلون پایین آمد و یوانشی تیانزون سه گنج به او داد: پرچم زرد زردآلو، مهر فانتین و تازیانه الهی. جیانگ زیا با این سه گنج جادویی تمام دشمنان را شکست داد. امروز شما نیز از کوه پایین می‌روید و به خط مقدم برای جنگ با متجاوزان ژاپنی می‌روید. من نیز سه گنج به شما می‌دهم: جبهه متحد، جنگ چریکی و اتحاد انقلابی."

صدر مائو به زیردستان خود گفت که سلاح جادویی حزب کمونیست برای غلبه بر دشمن، جبهه متحد است، به این معنی که برای شکست دادن دشمن و غلبه بر مشکلات، اول از همه باید همه را با خود همراه کنید، تعداد حامیان خود را افزایش دهید و تعداد مخالفان خود را کاهش دهید، تا بتوانیم دشمن را شکست دهیم. باید گفت که از جنگ ضد ژاپنی تا جنگ داخلی و پس از تأسیس جمهوری خلق چین، ما در مبارزات داخلی و خارجی خود از این سلاح جادویی استفاده کرده‌ایم.

دهکده جهانی اساساً باید مکانی برای احترام متقابل و همکاری برد-برد باشد، اما اکنون در این دهکده، علاوه بر یک زورگو، هر کسی یک سیلی خورده و باید حق حمایت بپردازد. آیا شما از این وضعیت راضی هستید؟ مطمئناً همه ناراضی هستند و می‌خواهند مقاومت کنند.

در چنین زمینه‌ای، آمریکا دوباره چین را به عنوان حریف اصلی خود قرار داده است، بنابراین ما به نماینده مقاومت تبدیل شده‌ایم، نماینده خواسته‌های مردم جهان هستیم و از همه حمایت کرده‌ایم. اکنون چین در حال ایجاد یک جبهه متحد ضد هژمونی است و این آمریکا را در یک دوراهی

قرار داده است. باید گفت که این اشتباه خود آمریکاست. از بایدن رئیس جمهور قبلی گرفته تا ترامپ کنونی، اگر آمریکایی‌ها به این کار ادامه دهند، غیرممکن است که دوباره به عظمت برسند. آمریکا باید به این فکر کند که چگونه با توسعه عادی بر کاستی‌های خود غلبه کند، نه اینکه از طریق آسیب رساندن به دیگران و سرکوب کل جهان به اهداف خود برسد.

خب، جبهه متحد ما چگونه باید عمل کند؟ صدر مائو سه جمله داشت: "توسعه نیروهای مترقی، جلب نیروهای میانه، منزوی کردن نیروهای سرسخت." این در دوران جنگ مؤثر بود و امروز نیز مفید است. کشورهایی که مورد ظلم و استثمار آمریکا قرار گرفته‌اند، همگی امیدوارند که جلوی تکبر آمریکا را بگیرند، و این همان نیروی مترقی است که ما باید توسعه دهیم.

استاد گائو نیز بارها تأکید کردند که ما باید از نظم تجارت آزاد و عادلانه دفاع کنیم، زیرا چنین نظامی به نفع همه کشورهاست. کشورهایی که در گذشته به آمریکا نزدیک بودند و گاهی اوقات با آمریکا در آزار و اذیت دیگران همدست می‌شدند، این بار نیز از آمریکا سیلی خورده‌اند و ناراضی هستند. پس ما این نیروهای میانه را جذب می‌کنیم تا با هم ضد هژمونی باشیم. این کار در حال انجام است و واکنش آن‌ها نیز بسیار مثبت است.

در نهایت، باید نیروهای سرسخت را منزوی کرد. اگر بخواهید یک جانبه به سرکوب کل جهان ادامه دهید، کل جهان شما را منزوی خواهد کرد. منظور ما این نیست که آمریکا را از روی زمین محو کنیم، بلکه باید نیروهای ارتجاعی داخلی آمریکا را منزوی کنیم تا مردم آمریکا زندگی عادی داشته باشند.

اکنون بسیاری از افراد با اراده در آمریکا نیز با ترامپ مخالف هستند، از جمله احزاب مخالف آمریکا که در حال تضعیف پایگاه ترامپ هستند و حتی برخی از ایالت‌ها امیدوارند که مستقل شوند. بنابراین، ما نیروهای متخاصم خود را به طور فزاینده‌ای ضعیف و نیروهای حامی عدالت را به طور فزاینده‌ای متحد می‌کنیم.

هنگامی که صدر مائو در دوران جنگ ضد ژاپنی جبهه متحد را تشکیل می‌داد، نیروهای ارتجاعی کومینتانگ همیشه در حال ایجاد اصطکاک و تخریب وضعیت کلی ضد ژاپنی بودند. صدر مائو چه کرد؟ او سه اصل را مطرح کرد: "منطقی، سودمند و با خویشتن‌داری". "منطقی" به معنای پافشاری بر اصل دفاع از خود است، یعنی اگر کسی به من حمله نکند، من حمله نمی‌کنم، اما اگر کسی به من حمله کند، من قطعاً پاسخ خواهم داد. برخی از افراد هنوز این مسئله را درک نمی‌کنند و فکر

می‌کنند که اگر ما عقب‌نشینی کنیم و تسلیم شویم، همه چیز درست می‌شود، اما در واقع تسلیم شدن فقط منجر به مرگ دردناک‌تر خواهد شد.

دوم "سودمند" است، یعنی اگر نجنگیم، که هیچ، اما اگر بجنگیم، باید پیروز شویم. صدر مائو در آن زمان خواستار استفاده از تضادهای نیروهای متخاصم بود، هر کسی بیشتر از همه سر و صدا می‌کند و هر کسی پیش‌تاز است را باید هدف قرار داد. تاریخ مدت‌هاست ثابت کرده است که التماس از دشمن و نشان دادن مهربانی هیچ فایده‌ای ندارد.

سوم، "با خویشتن‌داری" است. یعنی وقتی جنگ تقریباً تمام شد، می‌توانیم به طور مناسب متوقف شویم. زیرا ما برای حفظ صلح و توسعه جهان و برای حفظ منافع همه ساکنان دهکده جهانی در حال مقابله هستیم. تا زمانی که آمریکا دست از اقدامات بی‌پروا و متکبرانه خود بردارد، ما کاملاً می‌توانیم تا زمانی که ممکن باشد با هم توسعه یابیم و برای جهان کارهای خوبی انجام دهیم. بنابراین، با برافراشتن چنین پرچمی، حتی مردم آمریکا و نیروهای عدالت‌خواه آمریکا نیز می‌توانند در جبهه متحد ما قرار گیرند. آیا این باعث نمی‌شود که جهان ما زیباتر شود؟

لی بو: استاد گائو، شما با اروپا آشنایی بیشتری دارید. به نظر شما در دوره 90 روزه "تعليق تعرفه‌ها" کنونی، اروپا چه اقداماتی انجام خواهد داد؟ زیرا به خاطر دارم که حدود یک ماه پیش، اروپا به آمریکا چراغ سبز نشان داد و گفت که در مقابله با چین در زمینه‌های ارزش‌های مشترک و منافع مشترک، از آمریکا پیروی خواهد کرد و اظهارات زیادی در حمایت از آمریکا داشت. اما اکنون، به نظر می‌رسد ترامپ چندان به اروپا توجهی نمی‌کند. نظر شما در مورد وضعیت ذهنی کنونی اروپا چیست؟ و اروپا پس از 90 روز چه تصمیمی خواهد گرفت؟

گائو ژی کای: در روند مقابله با جنگ تعرفه‌ای جهانی که ترامپ به راه انداخته است، ما باید برای اروپا نیز دو برنامه داشته باشیم. اول، به شدت همکاری بین چین و کشورهای عضو اتحادیه اروپا را ترویج کنیم و تا حد امکان در مواضع ضروری و اصولی هماهنگی ایجاد کنیم. به ویژه در زمینه دفاع از تجارت آزاد و عادلانه، زیرا این به نفع چین، اروپا و کل بشریت است.

از سوی دیگر، ما باید تحرکات اتحادیه اروپا، به ویژه آنچه در جریان مذاکرات به اصطلاح کشورهای اروپایی با آمریکا می‌گذرد را از نزدیک زیر نظر بگیریم. تا به امروز، ما نمی‌توانیم تشخیص دهیم که آمریکا چگونه می‌خواهد با اتحادیه اروپا مذاکره کند، اما ترامپ همواره گفته است که از اتحادیه

اروپا متنفر است و به اصطلاح تأسیس اتحادیه اروپا برای آزار و اذیت و سوء استفاده از آمریکا بوده است. بنابراین، ترامپ در نهایت چه شرایطی را برای اتحادیه اروپا تعیین خواهد کرد؟ ما باید از نزدیک نظارت کنیم. در عین حال، در 90 روز آینده، چین باید تماس‌های چند لایه و چند جانبه با اتحادیه اروپا برقرار کند تا حد امکان پیام خود را منتقل کند.

با وجود بی‌منطقی ترامپ، او در نهایت کنار خواهد رفت و ممکن است در آینده رئیس‌جمهور جدید و منطقی‌تری در آمریکا روی کار بیاید، بنابراین اتحادیه اروپا قطعاً ارتباط خود را با آمریکا قطع نخواهد کرد. در مورد اینکه آیا اتحادیه اروپا با آمریکا برای مقابله با چین همکاری خواهد کرد؟ به نظر من نمی‌توان این احتمال را رد کرد، اما این احتمال نسبتاً کم است. چرا؟ زیرا اتحادیه اروپا قطعاً از منافع خود دفاع خواهد کرد و مهم‌ترین برگ برنده در منافع اتحادیه اروپا، دفاع از تجارت آزاد است. اما اکنون اصول تجارت آزاد و قلدری و یک‌جانبه‌گرایی ترامپ کاملاً در تضاد هستند.

بنابراین، در مورد اروپا، ما باید دو برنامه داشته باشیم و تلاش کنیم تا بهترین وضعیت را محقق کنیم: اتحادیه اروپا و چین با همکاری یکدیگر در برابر یک‌جانبه‌گرایی و قلدری ترامپ مقاومت کنند.

لی بو: هر دو استاد قبلاً به اهمیت جنوب جهانی و کشورهای در حال توسعه اشاره کردند. چین نیز باید همانطور که صدر مائو گفت، سهم بیشتری در کل بشریت داشته باشد. ما همچنین باید همانطور که استاد گائو گفت، مزایای فناوری پیشرو خود در زمینه فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی را به اشتراک بگذاریم تا به جنوب جهانی در ارتقای فناوری کمک کنیم و به آنها امکان تولید محصولات صنعتی بهتری را بدهیم. چین تنها با باز کردن بازار بزرگ خود می‌تواند به نفع کل بشریت باشد و جامعه‌ای با سرنوشت مشترک برای بشریت ایجاد کند.

علاوه بر این، هر دو استاد امروز به ما آموختند که چگونه از خرد استراتژیک مائوتسه تونگ استفاده کنیم. سه نکته کلیدی به قول رئیس مائو عبارتند از: اول، "همه نیروهای ارتجاعی بیر کاغذی هستند؛ دوم، "تو بزن، من هم می‌زنم؛ سوم، "ما باید دوستان زیادی پیدا کنیم."

چین امروز نه تنها از انعطاف‌پذیری بازار 1.4 میلیارد نفری برخوردار است، بلکه از پیشرفت‌های فناوری سخت مانند هوش مصنوعی نیز بهره می‌برد و مهم‌تر از آن، فلسفه مبارزه‌ای را به عنوان راهنما دارد که از سال‌های انقلاب به دست آمده است. بنابراین، آمریکا امروز هر کاری که می‌کند، ما کار خودمان را می‌کنیم؛ آمریکا ما را محاصره می‌کند، ما محاصره را می‌شکنیم؛ آمریکا به دنبال

جدایی فناوری است، ما استقلال در تولید تراشه را تسریع می‌کنیم؛ غرب از تقابل قدرت‌های بزرگ صحبت می‌کند، ما از طریق "ابتکار کمربند و جاده" بذر همکاری برد-برد را در جنوب جهانی می‌کاریم. به یاد دارید شب تولد سیستم عامل هارمونی هواوی، رن ژنگفی در دفتر خود تابلوی خوشنویسی "یک جرقه کوچک می‌تواند آتش بزرگی به پا کند" را آویزان کرد. این جنگ مردمی عصر جدید است، از پایگاه‌های انقلابی تا مناطق آزاد تجاری جهانی، از اصلاحات ارضی تا توسعه هوش مصنوعی، حزب کمونیست چین همواره از قدرت مردم برای شکستن محاصره هژمونی استفاده کرده است. تاریخ تکرار نمی‌شود، اما همیشه قافیه‌های مشابهی دارد. در حالی که کاخ سفید هنوز از منطق هژمونی قرن نوزدهم برای زورگویی به جهان استفاده می‌کند، چین از فلسفه برد-برد قرن بیست و یکم برای بهره‌مند ساختن کل دهکده جهانی استفاده می‌کند. در نهایت این جنگ تجاری، رقابت بر سر این نیست که تعرفه چه کسی بالاتر است، بلکه رقابت بر سر این است که قلب مردم چه کسی متحدتر است و راه چه کسی گسترده‌تر است. برنامه امروز تالار دیدگاه به همین جا می‌رسد. از هر دو استاد سپاسگزاریم و در برنامه بعدی شما را خواهیم دید.